

دین در جامعه؛ جامعه‌شناسی دین*

رونالد جانستون در کتابی که پس از سه دهه تدریس در موضوعات دین و جامعه، جامعه‌شناسی دین و دین در جوامع معاصر فراهم آورده، یک متن ساده و روان و در عین حال حاوی مباحث مهم و اصلی در جامعه‌شناسی دین را برای علاقه‌مندان به موضوع جامعه‌شناسی دین تألیف کرده است. این کتاب در قالب ۴ بخش و ۱۴ فصل به شرح زیر منتشر شده است.

فصل اول، به ارتباط جامعه‌شناسی با دین اختصاص دارد. دین یک پدیده اجتماعی است و از این رو با سایر پدیده‌های اجتماعی و یا دیگر واحدهایی که یک جامعه را می‌سازند رابطه تعاملی دارد. جامعه‌شناسی دین، به عنوان یک حوزه جهت مطالعه دین، با توجه به ویژگی‌های علم جامعه‌شناسی و پدیده دین، خود واجد ویژگی‌های خاصی است. به این معنا که وقتی در جامعه‌شناسی دین گفته می‌شود دین یک پدیده اجتماعی است، یا این که روش مطالعه در جامعه‌شناسی دین تجربی است منظور این است نگاه ارزشی به دین در کار نیست. این رشته از علوم اجتماعی دلمشغول مطالعه پدیده‌هایی است که قابل مشاهده^۱ باشند. جامعه‌شناسی دین بر مبنای علمی به معنای متعارف خود، یعنی جستجوی نظام‌مند داده‌های قابل اثبات،^۲ بر مبنای شناخت و صورت‌بندی نظری، تولید شواهد معتبر و متابعت از رویه‌هایی که دیگران نیز بتوانند نتایج حاصل را اثبات یا تکرار کنند.

به نظر جانستون فروض چندگانه‌ای وجود دارند که جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی دین بر آنها استوار هستند. اول اینکه فعالیت انسان تحت نفوذ و تاثیر گروه‌ها شکل می‌گیرد. دوم اینکه موجود انسانی در واقع یک ارگانیسم و اندام زیست‌شناختی است یعنی موجودی است با محدودیتها، ظرفیت‌ها، نیازها و تمایلات فیزیولوژیک. این تاثیر جامعه‌پذیر کننده گروه است که هم این عوامل زیستی را جهت داده و هدایت می‌کند و هم اینکه انسان‌ها توسط این عوامل زیست‌شناختی محدود می‌شوند. فرض سوم این است که انسان قابلیت بی‌نظیری برای نمادپردازی دارد، فرض چهارم و بنیادی ناظر بر این معنا است که هر کنش انسانی به نحوی، در واقع یک عمل و یک مکانیسم جهت حل مشکل است و فرض نهایه این که، تمام پدیده‌های اجتماعی در درون جامعه یا گروه معین، به هم مرتبط هستند.

نویسنده در این فصل تلاش می‌کند تا با برشمردن ویژگی‌های دین، یک تعریف رسمی از آن

* R. Johnstone, *Religion In Society: Sociology Of Religion*, New Jersey, Prentice Hall Press, 1992.

1. observable

2. Facts

بدست دهد. به نظر وی دین یک پدیده گروهی است و شامل مجموعه‌ای از باورها، اعمال و رهنمودهای اخلاقی است. از این رو وی دین را به عنوان نظامی از عقاید و اعمال که گروهی از مردم، آن را مقدس یا فوق طبیعی احساس می‌کنند، و بدان پاسخ و واکنش نشان می‌دهند، تعریف می‌کند. در این فصل پس از تعریف جامعه‌شناختی از دین، کاربرد آن، تمایز بین دین و جادو و رابطه میان آنها، اینکه «ایسمهای» مختلف می‌توانند دین باشند، و سرانجام توسعه و تحول تاریخی جامعه‌شناسی دین مورد بررسی نویسنده قرار می‌گیرند.

فصل دوم، معطوف به سرچشمه‌ها و منابع دین است. که ابتدا به تبیین‌های درون دینی می‌پردازد، به ویژه رازگشایی به عنوان یکی از خاستگاه‌های دین، که در برخی از ادیان و مذاهب به ویژه یهودیت، مسیحیت، اسلام، بودایسم و مورمنیسم به آن اشاره شده، مورد توجه نویسنده قرار می‌گیرد در ادامه تبیین دیگری که در ادیان مختلف وجود دارد و به ویژه توسط عالمان الهیات و خداشناس‌های آن ادیان مورد توجه و اهتمام جدی است یعنی تبیین معرفت طبیعی نسبت به خدا، مورد شرح و بسط قرار می‌گیرد. سرانجام راه برای تبیین‌های برون‌دینی گشوده می‌شود و تبیین‌های انسان‌شناختی، روانشناختی و به ویژه تبیین‌های جامعه‌شناختی با تفصیل بیشتری مطرح می‌شوند. در انسان‌شناسی، تبیین‌ها بر تعامل انسان با طبیعت متمرکزند. در روانشناسی، تاکید بر ترس، ناکامی و نیازهای احساسی نوع بشر است و در تبیین‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تبیین‌ها بر متن اجتماعی که دین در آن وجود دارد متمرکز هستند.

در فصل سوم این تلقی جامعه‌شناختی که دین یک پدیده گروهی است با یک رویکرد بدیع دنبال شده است. در این فصل از دین و ویژگی‌های گروه صحبت می‌شود، از جمله اینکه گروه حداقل متشکل از دو نفر است که با همدیگر دارای رابطه تعاملی هستند، آمال و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند، به مجموعه‌ای از هنجارها که امیدوارند در نیل به اهداف کمکشان کنند توافق دارند و هنجارهای خاصی را با نقش‌های خاصی ترکیب می‌کنند، هم‌چنین بر تمایزات مترقی و ابعاد مترقی معینی نیز توافق دارند و هویتشان را با اظهار یا به نمایش گذاشتن میزانی از تعهد و پایبندی برای گروه مطرح می‌کنند. مؤلف به این نتیجه می‌رسد که سازمانهای دینی، همه این ویژگی‌ها را دارند و بنابراین یک سازمان دینی قابلیت این را دارد که به عنوان یک گروه اجتماعی تعریف شود. از نظر نویسنده، گروه ویژگی‌های دیگری نیز دارد از جمله؛ اگر اعضای گروه از دست بروند، گروه اعضای جدیدی را جایگزین می‌کند، گروه اعضایش را تعلیم می‌دهد و جامعه‌پذیر می‌کند، تولید و توزیع سطحی از کالاها و خدمات برای اعضا ضروریست، گروه نظم درونی را حفظ می‌کند، غایت و اهداف خاصی برای اعضا تعریف می‌کند و سعی می‌شود معنی و احساس خاصی از مقصد و نیل به مقصد برای اعضا ایجاد شود. در واقع دین نیز می‌تواند این پنج شرط لازم برای

کارکرد یک گروه را فراهم آورد. یکی دیگر از نکات مورد بحث فصل سوم این است که اگر اعضای گروه افزایش یابد چه پیامدهایی ممکن است بوجود آید و چه دشواریها و چالشهایی ایجاد می‌شوند، برای مثال وقتی اعضای گروه افزایش می‌یابد، وفاق اعضا درباره اهداف گروه و خصوصاً درباره هنجارهای گروه تا حد قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند، از این رو انحراف از هنجارهای گروه زیاد شده و نسبت هنجارهای غیررسمی به هنجارهای رسمی افزایش می‌یابد، نقش‌ها در داخل گروه تخصصی و تمام وقت می‌شوند و نیاز بیشتر برای هماهنگی بوجود می‌آید، لذا دستگاه اداری و بورکراسی دینی رشد کرده و به تدریج نقش رهبری دینی در گروه‌های مختلف دینی اهمیت تعیین کننده‌ای پیدا می‌کند. چنین پیامدهایی به تفصیل در این فصل تحلیل می‌شوند. مؤلف با تلقی دین به عنوان یک گروه اجتماعی، با تحلیل فرآیندها، مسایل و ویژگی‌های یک گروه اجتماعی، توضیح روشنتری از مولفه‌های اصلی یک دین و مسایل آن به دست می‌دهد.

در فصل چهارم، نویسنده از موضوع و فرآیند مذهبی شدن، عناصر، روش‌ها و سنجش جامعه‌پذیری دینی، تعاریف جامعه‌شناختی دینداری، بویژه رهیافت‌های تعلق‌گروھی، رهیافت فردی و چند بعدی در تعریف دینداری، فرآیند درونی کردن دین، تغییر عقیده یا گروه به دین جدید، بازگشت از دین و عقیده جدید و از اختلاف نظرهای بی‌برنامه سخن می‌گوید و می‌کوشد برای هر یک از این موضوعات و پدیده‌ها به عنوان یکی از انواع و صور جامعه‌پذیری دینی، یک تحلیل و توصیف مناسب ارائه کند.

در بخش دوم (یعنی فصول ۵ و ۶) جانستون، تعریفی از دین به عنوان یک سازمان اجتماعی، بدست می‌دهد. او در فصل پنجم، پیوستار و طیف کلیسا - فرقه را به طور مبسوط توضیح می‌دهد. گفتنی است تقسیم‌بندی درباره سازمانهای دینی مختلف، اولین بار از سوی ارنست ترولتج، صورت گرفت و توسط ماکس وبر به جامعه‌شناسی آورده شد و سپس دمیرث و هاموند از دو دیدگاه درونی و بیرونی این طیف و پیوستار را مورد تحلیل قرار دادند. این که فرقه، کلیسا، دسته، آیین به عنوان سازمان دینی، چه هستند، چگونه بوجود می‌آیند و چه ویژگی‌هایی دارند و صور فرعی تر هر یک از سازمانهای فوق چه هستند و چه تفاوتها و ویژگی‌هایی دارند در فصل پنجم مطرح می‌شوند. هم‌چنین در این فصل نویسنده خود یک بحث مستقل جهت بهبود و اصلاح تیپولوژی فرقه - کلیسا ارائه می‌کند.

نویسنده در فصل ششم، موضوع تضاد و کشمکشهای مذهبی را بررسی می‌کند. او ضمن تبیین نظریه تضاد و کشمکش‌های مذهبی در طول تاریخ نمونه‌هایی از تضاد دینی معاصر را یادآوری می‌کند؛ از جمله به تحلیل کشمکش میان پروتستانها و کاتولیک‌های رمی در ایرلند می‌پردازد. او علاوه بر تضادهای درون دینی و بین دینی به چالش‌هایی که از ناحیه گروه‌های دینی ممکن است

برای جامعه بوجود آید نیز توجه می‌کند. از جمله این موارد برخی گروه‌های دینی هستند که در بعضی جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش حقوق مدنی، جنبش ضدسقط جنین یا جنبش صلح در آمریکا فعالند. همچنین برخی از گروه‌های دینی، وضع موجود را نپذیرفته و اقدام به تغییر آن می‌کنند که ممکن است به عنوان تهدیدی علیه وضع موجود تلقی شوند.

نویسنده در بخش سوم کتاب به تحلیل رابطه میان دین و سیاست (در فصل هفتم)، دین و اقتصاد (در فصل هشتم)، دین و نظام طبقاتی (در فصل نهم) و زنان و دین (در فصل دهم) می‌پردازد. او در واقع این بخش را به بررسی تاثیر «دین در جامعه» اختصاص داده و در آن رابطه میان سیاست، اقتصاد، زنان و نظام طبقه دینی با دین را مورد توجه قرار می‌دهد.

در فصل هفتم، نویسنده پیوستاری را مورد تحلیل قرار می‌دهد که در آن تاثیر متقابل دین و سیاست (کلیسا و دولت) بر همدیگر و شدت و ضعف تاثیر هر یک بر دیگری، هفت وضعیت را پدید می‌آورد: توتالیتریسیم، توتالیتریسیم تعدیل‌شده، جدایی جزئی، جدایی کامل، تئوکراسی تعدیل‌شده، تئوکراسی کامل

همچنین تاثیر دین بر سیاست از نظر رفتار رای دهندگان، تقنین اخلاقیات و نیز اتحاد میان دین جناح راست و سیاست، آغاز و شروع بنیادگرایی و احیاء مجدد آن پس از جنگ دوم جهانی، به ویژه موضوع دین مدنی که توسط رابرت بلد مطرح شده است و نیز دین و سیاست در کشورهای جهان سوم مباحثی است که در این فصل به طور مفصل مطرح و تحلیل می‌شوند.

در فصل هشتم، نویسنده به تحلیل رابطه دین و اقتصاد می‌پردازد. دین هم به عنوان یک نهاد اقتصادی می‌تواند تعداد قابل توجهی از افراد را چه به عنوان روحانی و کشیش، منشی، سرایدار، خادم و متولی، معلمین مدارس مذهبی، کارمندان بخش ایالات، انجمن‌های مذهبی، سازمان کلیسای جهانی، مددکاران اجتماعی و کارمندان بنگاه‌های انتشاراتی کتب مذهبی و... به استخدام خود درآورد (بر اساس محاسبه وی این عده در سال حدود ۸۰۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده‌اند) و هم می‌تواند به عنوان یک مالک، املاک، مستقلات و موقوفات زیادی را در اختیار داشته باشد. مثلا در سال ۱۹۵۷، املاک و موقوفات کلیسا در آمریکا در حدود ۱۳/۷ میلیارد دلار بوده است یا در سال ۱۹۸۴، اعانه و هدایا به گروه‌های مذهبی رقمی حدود ۳۵/۶ میلیارد دلار بوده که این مقدار ۴۸ درصد از کل کمک‌های خیریه‌ای است که سالانه اهدا می‌شود؛ یعنی حدود ۷۴/۳ میلیارد دلار.

علاوه بر این دین می‌تواند شکل دهنده نگرشها و رفتار اقتصادی نیز باشد؛ برخی ادیان فقر و ناداری را به عنوان یک فضیلت و ارزش نگاه می‌کنند، چنان‌که وبر در مقاله «روانشناسی اجتماعی ادیان جهان» از مقوله‌ای بنام «عدل اندیشی بی‌امتیازی» و نیز «عدل اندیشی رهایی و خلاصی»

بحث می‌کند که در برخی از ادیان وجود داشته و در واقع توجیه و دلیل تراشی‌هایی هستند برای فقدان منزلت اقتصادی - اجتماعی که به عنوان نوعی امتیاز برای رستگاری تلقی می‌شوند. وی هم‌چنین از مفهوم دیگری بنام «عدل‌اندیشی خوشبختی» سخن می‌گوید که بنظر دیوید موبرگ به شیوه‌های مختلفی می‌تواند در تنظیم نگرش و رفتار اقتصادی آدمیان موثر باشد.

نویسنده در ادامه این فصل، کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» وبر را از نظر عناصر اولیه خداشناسی کالونی، کاربرد و الزامهای آن برای فرد و اقتصاد، مورد تحلیل دقیق قرار می‌دهد و در ادامه به بررسی فرضیات جا بگزین فرضیه وبر می‌پردازد. او در این فصل در نهایت رابطه میان دین و اقتصاد و تاثیر آنها بر یکدیگر را ارزیابی کرده و در قالب مباحثی پویا به تحلیل رابطه متقابل میان دین و اقتصاد می‌پردازد.

فصل نهم به تحلیل رابطه میان دین و نظام طبقاتی اختصاص دارد. نویسنده در این فصل از تفاوت‌های معنا و تجربه دینی در بین طبقات اجتماعی، از عضویت طبقات اجتماعی در انجمن‌های داوطلبانه مذهبی و نیز از قشربندی اجتماعی در درون گروه‌های دینی بحث می‌کند. در این فصل رابطه میان قشربندی، دین و نژاد در قالب یک سرفصل مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل دهم «رابطه میان زنان و دین» در ذیل سه محور عمده؛ رابطه زنان با دین از دیدگاه تاریخی، الگوهای تاریخی و چالش‌های الگوهای سنتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به نظر نویسنده در بسیاری از اقوام و ادیان اولیه، خدایان از جنس زن بوده‌اند، با این حال در برخی از مواقع ادیان توحیدی مثل یهودیت و مسیحیت برای زنان یک پایگاه درجه دومی را قابل بوده‌اند و این باعث شده است تا از طرفی زنان واکنش نشان داده خواهان مشارکت بیشتری باشند و از طرف دیگر به طرق مختلف بکوشند تا به چنین اهدافی در حوزه دین دست یابند. معه‌ذا واکنشهایی که نشان می‌دهند در قالب الگوها و مدل‌هایی قابل بررسی است، الگوهایی که عمدتاً مورد تایید سنت هستند. با این حال زنان در درون و در قالب این الگوها، خواهان تغییر وضعیت خود هستند.

بخش چهارم کتاب به وضعیت دین در جامعه آمریکا اختصاص دارد. نویسنده در فصل‌های یازدهم، تا چهاردهم کتاب، تحولات تاریخی دین، دین بومیان و سیاهان آمریکا، جامعه فرقه‌ای و آینده دین در آمریکا را مطرح می‌کند.

نویسنده در فصل یازدهم با یک نگاه تاریخی به تحولات عمده دین در آمریکا می‌پردازد که دربرگیرنده مباحث زیر است: دین سفیدپوستان از آغاز ورود آنها به این سرزمین تاکنون چه مراحل عمده‌ای را پشت سر گذاشته است، چرا تعصب شدیدی میان پیروان ادیان مختلف از قبیل پروتستانها، کاتولیک‌ها، پیوریتن‌ها و برخی دیگر وجود داشته و هیچ‌گونه تسامح و مدارایی نسبت به همدیگر نداشته‌اند. در مراحل بعدی تاریخی، چگونه این شروع متعصبانه مبدل به مصالحه

قانونی شده و در ادوار بعدی چالش‌های مرزی میان مذاهب مختلف چگونه مسأله‌ساز می‌شود، آزمایش سخت کثرت‌گرایی یا پلورالیسم چگونه به انجام رسیده و علایق اجتماعی دینی و احیاء علایق مذهبی پس از جنگ دوم جهانی چگونه بوده است؟

نویسنده معتقد است هرچند که تحولات عمده تاریخی دین در جامعه آمریکا را در قالب شش موضوع فوق، یعنی آغاز متعصبانه، مصالحه قانونی، چالش‌های مرزی، آزمایش تحت کثرت‌گرایی، نگرانی و علایق اجتماعی مذهبی و احیاء در دوران پس از جنگ دوم جهانی، می‌توان مورد بررسی قرار داد، تغییر و دگرگونی دین را نیز در دو بعد می‌توان به خوبی مشاهده کرد؛ به نظر وی تظاهرات خارجی و بیرونی دین یا الگوی دین در جامعه آمریکا بطور نسبتاً ثابتی در طی ۴ قرن گذشته تغییر و تحول یافته است، علاوه بر این، رابطه میان دین و دیگر ساختهای اجتماعی نیز به همان نحو تغییر کرده است. دگرگونی در این دو بعد برای وی مهم است و از این رو می‌کوشد تا آن را نشان داده و آشکار کند.

در فصل یازدهم، توجه نویسنده عمدتاً بر دین سفیدبوستان در آمریکا متمرکز است ولی در فصل دوازدهم اختصاصاً به ادیان سیاهان و بومیان آمریکایی می‌پردازد. در این فصل او ابتدا تحولات تاریخی کلیسای سیاهان را مورد توجه قرار داده سپس به مسأله ستیزه و خشونت در کلیسای سیاهان توجه می‌کند، در مرحله بعد موضوعات جدید در دین سیاهان و در نهایت دین بومیان آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل سیزدهم مباحث کتاب آندره گریلی به نام «جامعه فرقه‌ای» مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فصل با عنوان جامعه فرقه‌ای اشاره به جامعه‌ای است که انجمن‌های داوطلبانه دینی در آن به شدت شیوع و رواج دارد. به نظر گریلی و نویسنده، جامعه آمریکا از نظر کثرت‌گروه‌های دینی بی‌نظیر است. مباحثی تحت عنوان تعدد گروه‌ها، تنوع گروه‌ها، خانواده‌های فرقه‌ای عمده، وحدت‌گرایی کلیسایی و امکان مستمر فرقه‌گرایی در این فصل بطور مستقل مطرح می‌شوند.

در فصل چهاردهم و آخر نیز موضوع آینده دین در آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در اینجا با ارزیابی سطح فعالیت دینی، رشد و افول عضویت در گروه‌های مختلف دینی، تداوم کارکردهای اجتماعی و سنتی دین، مسأله سکولاریزاسیون، تضاد و کشمکش در خصوص هدف دین، کیش‌ها و جنبش‌های مذهبی جدید می‌کوشد تا به شیوه‌ای نسبتاً عینی و قابل اطمینان، آینده دین در این کشور را پیش‌بینی کند.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی